

واکاوی نقش جمهوری اسلامی ایران در افول قدرت آمریکا از دیدگاه امام خامنه ای (مدظله)

چکیده:

پیروزی انقلاب اسلامی ایران نقطه عطفی در تاریخ روابط بین الملل به شمار می رود، چرا که توانست معادلات ایالات متحده آمریکا را در منطقه استراتژیک خاورمیانه و جهان بر هم بزند. افول آمریکا ایده ای است که می گوید آمریکا دیگر تنها ابرقدرت جهان نیست که بر هر حوزه ای در هر منطقه از جهان تسلط داشته باشد. در پژوهش حاضر تلاش شده به این سؤال پاسخ داده شود که نقش جمهوری اسلامی ایران در افول قدرت ایالات متحده آمریکا از دیدگاه امام خامنه ای (مدظله العالی) چیست؟ پژوهشگر با استفاده از روش تحلیل مضمون، داده های حاصل از بیانات امام خامنه ای را مفهوم سازی کرده است. بر اساس این مفاهیم، مضامین اولیه (بدهی خارجی، کسری بودجه، سردرگمی جوانان، بزرگنمایی و هیاهوی زیاد، فهم کشورها از پوسیدگی نظام آمریکا، خروج خفت بار از افغانستان، شکست در مهار ایران، موازنه قوا به نفع دنیای اسلام، اختلالات عمیق ساختاری، افول موریانه وار، آمار جنایت ها و آدمکشی ها) و مضامین سازمان دهنده (رشد پایین اقتصادی، توزیع ناعادلانه درآمد، بالا بودن آمار فقر، افول قدرت اقتناع کنندگی، بیداری ملت های اسلامی، ناکانی در دو کشور افغانستان و عراق، ناکامی های گسترده در ایران، گسترش موج آمریکاستیزی، شکل گیری نهادهای جدید بین المللی، خشونت های نهاد خانواده و آمار بالای جرم و جنایت) و مضامین فراگیر به دست آمد. با ترکیب و ادغام مضامین فراگیر نزدیک به هم پنج مولفه افزایش بدهی خارجی، ناکامی مدل حکومتی لیبرال دموکراسی، ناکامی های گسترده نظامی، کاهش نفوذ در نهادهای بین المللی و فروپاشی نهاد خانواده با تاکید بر اندیشه امام خامنه ای استخراج گردید.

کلمات کلیدی: افول قدرت آمریکا، امام خامنه ای، جمهوری اسلامی ایران، کسری بودجه، موازنه قوا

مقدمه

از پایان جنگ جهانی دوم همواره مباحثی همچون بلوک های قدرت و هژمون مطرح بوده است. از نگاه اندیشمندان علم سیاست، هژمون هنگامی شکل می گیرد که یک کشور در تمامی مقوله های قدرت اعم از سیاسی و دیپلماتیک، اقتصادی و تجاری، فرهنگی و نظامی در سطحی بسیار متفاوت تر از دیگر قدرت ها قرار گیرد. دیپلماسی عمومی از مهمترین ابزارهای قدرت نرم برای اثرگذاری بر رفتارهای بازیگران بین المللی است که از سوی برخی کشورهای قدرتمند از جمله ایالات متحده آمریکا در عرصه سیاسی مورد استفاده قرار گرفته است، اما با پیشرفت فناوری های نوین و گسترش ارتباطات دیپلماسی عمومی نیز کارکرد نوینی را برای تحقق اهداف خود به کار می بندند. مقام معظم رهبری، با ارائه یک الگوی راهبردی برای کنشگران روابط بین الملل، سعی در ترسیم یک پارادایم فکری مبتنی بر این گفتمان داشتند که دنیا در حال عبور از هژمونی آمریکا و توزیع و تقسیم قدرت راهبری جهان و فرا رسیدن زوال قدرت نرم آمریکا است. قدرت و اقتدار و هیمنه آمریکا در دنیا، رو به افول و زوال است و امریکای امروز به مراتب ضعیف تر از امریکای چهار دهه قبل است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۰۸/۱۲).

افول آمریکا ایده ای است که می گوید آمریکا دیگر تنها ابرقدرت جهان نیست که بر هر حوزه ای در هر منطقه از جهان تسلط داشته باشد. افول آمریکا که به کاهش قدرت ژئوپولیتیک، نظامی، اقتصادی، مالی، اجتماعی و فرهنگی آمریکا اشاره دارد مسئله ای است که از مدت ها پیش توسط دانشمندان و متفکرانی در داخل خود آمریکا و سایر نقاط جهان، پیش بینی شده و مورد تأکید قرار گرفته است. صرفاً بزرگی اقتصاد و قدرت نظامی ایالات متحده آمریکا نی تواند به تنهایی، تعیین کننده قدرت در سطح بین الملل تلقی گردند. کاهش مزایای نظامی، کسری بودجه، تهاجم ژئوپولیتیک و تغییر شرایط اخلاقی، اجتماعی و رفتاری با افول آمریکا مرتبط است. وقوع انقلاب اسلامی ایران یکی از مهم ترین رویدادهای قرن بیستم بود که ماهیت و چهره واقعی ایالات متحده را در منطقه و جهان نشان داد و با تلالو امواج بیداری اسلامی بر منطقه، جو سیاسی مورد دلخواه آمریکا و غرب را متلاطم کرد و مردم مسلمان منطقه و جهان، انقلاب اسلامی ایران را به عنوان یک الگو در جهان پذیرفتند. استکبارستیزی و سیاست نه شرقی و نه غربی و همچنین دفاع از ملت ها و جنبش های رهایی بخش از صهیونیسم و نظام استکباری بین المللی، جاذبه هایی داشت که برای ایالات متحده آمریکا و غرب خوشایند نبود و این حرکت سبب شد تا آمریکا هزینه های گزافی را برای مهار انقلاب اسلامی ایران و حتی نابودی آن بپردازد. رشد آمریکاستیزی در جهان پس از جنگ دوم جهانی روند رو به رشدی را به خود گرفته و این روند با آغاز قرن بیست و یکم از شدت بسیار بیشتری برخوردار بوده است، به نحوی که در پایگاه های مختلف نظرسنجی در آمریکا و اروپا این امر به

وضوح دیده می شود. این روند می تواند زمینه شکل گیری تهدیدات نرم قابل ملاحظه ای برای ایالات متحده آمریکا فراهم سازد. جنگ های آمریکا در عراق و افغانستان، پابندی آمریکا به مفاهیمی مانند دموکراسی، حقوق بشر، جهان آزاد، آزادی بیان و بسیاری از ارزش های دیگری که آمریکا خود را پرچمدار آنها معرفی می کرد با سوال ها و تردیدهای جدی مواجه کرد. در این پژوهش، پژوهشگر با استفاده از روش تحلیل مضمون، داده های حاصل از بیانات امام خامنه ای را مفهوم سازی کرده است. بر اساس این مفاهیم، مضامین اولیه (بدهی خارجی، کسری بودجه، سردرگمی جوانان، بزرگنمایی و هیاهوی زیاد، فهم کشورها از پوسیدگی نظام آمریکا، خروج خفت بار از افغانستان، شکست در مهار ایران، موازنه قوا به نفع دنیای اسلام، اختلالات عمیق ساختاری، افول موریانه وار، آمار جنایت ها و آدمکشی ها) و مضامین سازمان دهنده (رشد پایین اقتصادی، توزیع ناعادلانه درآمد، بالا بودن آمار فقر، افول قدرت اقتناع کنندگی، بیداری ملت های اسلامی، ناکانی در دو کشور افغانستان و عراق، ناکامی های گسترده در ایران، گسترش موج آمریکاستیزی، شکل گیری نهادهای جدید بین المللی، خشونت های نهاد خانواده و آمار بالای جرم و جنایت) و مضامین فراگیر به دست آمد. با ترکیب و ادغام مضامین فراگیر نزدیک به هم پنج مولفه افزایش بدهی خارجی، ناکامی مدل حکومتی لیبرال دموکراسی، ناکامی های گسترده نظامی، کاهش نفوذ در نهادهای بین المللی و فروپاشی نهاد خانواده با تاکید بر اندیشه امام خامنه ای استخراج گردید.

پیشینه پژوهش

در خصوص نقش جمهوری اسلامی ایران در افول قدرت ایالات متحده آمریکا از جهت نظری و تحقیقاتی، پیشینه ای چندان قوی وجود ندارد؛ به ویژه در اندیشه سیاسی امام خامنه ای (مدظله العالی) که معدودی مقاله، همه داشته های ما در این حوزه را شامل می شود. در خصوص نقش ایران در افول قدرت ایالات متحده آمریکا پژوهش های صورت گرفته است که در ذیل به بعضی از آنها که در برخی جنبه ها به این پژوهش نزدیک تر بودند اشاره شده است:

۱- مقاله بررسی تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر افول هژمونی آمریکا نوشته آقای حسن محمد میرزایی با روش کیفی و مطالعه اسنادی در سال ۱۴۰۱ انجام پذیرفته که یافته های آن افول هژمونی آمریکا را مدنظر قرار داده است.

۲- مقاله افول قدرت نرم آمریکا؛ دیدگاه ها و زمینه ها نوشته آقایان غلامرضا جمشیدی ها و سید محمدجواد قربی به روش توصیفی تحلیلی در سال ۱۴۰۰ انجام پذیرفته که یافته های آن حاکی از دلایلی برای افول قدرت نرم آمریکا ذکر شده است.

۳- مقاله بررسی نقش و جایگاه هویت بر تخصیصات جمهوری اسلامی ایران و آمریکا نوشته خانم رویا دوستی و آقایان علی صالحی فارسانی و حسین ابوالفضل کزیری به روش توصیفی تحلیلی در سال ۱۴۰۰ انجام گردیده که یافته های پژوهش بیانگر این مطلب است که در واقع آنچه مانع ایجاد روابط معمول میان طرفین گردیده، در سطح گفتگمانی و یا رفتاری نیست، بلکه ناشی از هویت تقابلی ایران و آمریکاست که به صورت رابطه ای در فرایند برخورد ستیزه جویانه و تقابلی این دو کشور در بیش از چهل سال گذشته تکوین یافته است.

۴- مقاله واکاوی چگونگی افول هژمونی آمریکا در عرصه جهانی با تاکید بر ویروس کرونا (از منظر حقوقی و سیاسی) نوشته آقایان سعید جهانگیری و ابراهیم متقی و خانم مهسا فرحان جم با روش تحلیل گفتمان لاکلا و موف در سال ۱۳۹۹ انجام پذیرفته که یافته های آن اشاره دارد که آمریکا به دلیل سیاست های یکجانبه گرایانه ای که در دهه های اخیر داشته است و از طرف دیگر ظهور قدرت های بزرگی همچون چین و بحران کووید ۱۹ در حوزه های اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی رو به ضعف گذاشته و قدرت هژمونیک این کشور رو به افول است.

۵- مقاله اقدامات آمریکا علیه انقلاب اسلامی ایران و افول هژمونی ایالات متحده نوشته آقایان روح الله ملکی عزین آبادی و میثم بیگی با روش توصیفی تحلیلی در سال ۱۳۹۴ انجام پذیرفته که یافته های آن اشاره دارد که اقدامات ایالات متحده آمریکا در راستای از بین بردن نظام جمهوری اسلامی نه تنها به سرانجامی نرسیده است بلکه هزینه های سنگینی بر ایالات متحده تحمیل کرده است که این مسأله در بلندمدت تضعیف آمریکا در ابعاد مختلف سیاسی، نظامی، فرهنگی و علی الخصوص اقتصادی را در پی داشته است.

۶- مقاله نقش انقلاب اسلامی ایران در افول قدرت آمریکا در اندیشه دفاعی امام خامنه ای نوشته آقای قاسم روانبخش با روش توصیفی تحلیلی در سال ۱۴۰۱ انجام پذیرفته که یافته های آن اشاره دارد که انقلاب اسلامی ایران نه تنها در عرصه حیاتی ایدئولوژیک، بلکه در عرصه های چندوجهی سیاسی و نظامی هم توانسته است قدرت و امپریالیزم آمریکا را در منطقه و جهان با چالش هایی جدی روبه رو کند.

چارچوب نظری : قدرت نرم

به عقیده نای، در عصر جهانی اطلاعات، تمامی منابع قدرت نظامی، اقتصادی، و نرم هر چند به درجات مختلف، ولی به یکدیگر مرتبط باقی خواهند ماند. با این حال به نظر وی قدرت نرم اهمیت و معنای پیوسته افزون تری خواهند یافت به گونه ای که کشورها وارد سیاست های رقابتی ایجاد جذابیت، مشروعیت و اعتبار خواهند گردید. به نظر وی سه منبع عمده برای قدرت نرم یک کشور وجود

دارد که عبارت‌اند از: فرهنگ‌نگامی که برای سایر کشورها از جذابیت برخوردار گردد، ارزش‌های سیاسی، هنگامی که با ارزش‌های اجتماعی داخلی، خارجی و روح حاکم بر سیاست‌های خارجی کشور مطابقت داشته باشد، و مشروعیت، یعنی زمانی که سایر کشورها فرهنگ ملی کشور مورد نظر را مشروع و اخلاقی تلقی نمایند (Nye, 2004:30). به عقیده نای اگر رهبری ارزش‌هایی را ارائه کند که دیگران، خود مایل به پیروی از آن باشند، اداره کردن آن گروه هزینه کمتری خواهد داشت. (نای، ۱۳۸۹: ۴۴). شکل‌گیری قدرت نرم فراگردی بسیار کند و زمان بر است و ایجاد آن در کوتاه مدت ممکن نخواهد بود. به همین دلیل هنگام روی دادن بحران‌های بین‌المللی که منافع ملی کشور به خطر می‌افتد زمان آزمون بزرگ میزان قدرت نرم آن کشور در صحنه میان‌کشوری فرامی‌رسد. با توجه به نظریه جوزف نای در ارزیابی مؤلفه‌های قدرت نرم (فرهنگ، ارزش‌های سیاسی، و مشروعیت) می‌توان گفت که عوامل زوال قدرت نرم کاهش جذابیت‌های فرهنگی، شکل‌گیری تضاد بین ارزش‌های سیاسی با روح حاکم بر رفتار سیاست خارجی، و زوال مشروعیت ارزش‌های سیاسی و فرهنگی کشور مورد نظر در صحنه بین‌المللی به ویژه از دید افکار عمومی و شخصیت‌های تأثیرگذار بین‌المللی.

قدرت نرم، یعنی توانایی آمریکا برای متقاعدسازی دیگران به مشروعیت سیاست‌های آمریکا و ارزش‌های زیربنای آن یکی از محورهای اصلی قدرت آمریکا از زمان آغاز آن بوده است. با این حال، به اذعان شاخص‌های مختلف این مولفه قدرتی به ویژه در سال‌های اخیر یک روند نزولی شدید را تجربه کرده است. در واقع آمریکا، به استفاده از قدرت نرم خود در قالب فرهنگ و سیاست‌ها و ارزش‌ها در پی رسیدن به رهبری ایدئولوژیک جهانی است (دهشیار، ۱۳۸۷: ۴۳۷). اما شواهد فراوانی دال بر فرسایش قدرت نرم آمریکا در نیم سده اخیر وجود دارد. پس از جنگ جهانی دوم، هر چند ایالات متحده آمریکا به دلیل پیروزی در جنگ علیه اردوگاه نازیسم و به دست گرفتن رهبری مقابله با تمامیت‌خواهی کمونیسم به پرستیژ قابل ملاحظه‌ای در صحنه جهانی دست یافت، لیکن با گذشت زمان، منحنی قدرت نرم آمریکا روندی نزولی را تجربه کرد. بحث اصلی مقاله حاضر آن است که زوال قدرت نرم آمریکا روندی تاریخی-جهانی و خارج از کنترل مقامات این کشور بوده به گونه‌ای که وقوع منازعات بین‌المللی و حتی داخلی کشورها، در افول قدرت نرم آمریکا تأثیرگذار بوده و به دلیل نقش رهبری بلوک غرب توسط آمریکا پس از جنگ جهانی دوم بسیاری از تأثیرات فرهنگی و سیاسی بحران‌ها خارج از کنترل این دولت به افول این قدرت آمریکا منجر گردیده است. بدین سان، به دلیل نقش بین‌المللی آمریکا به عنوان ابرقدرت سخت‌افزاری جهانی، مداخلات گاه ناگزیر این کشور در صحنه‌های منطقه‌ای، جهانی و داخلی سایر کشورها تأثیر منفی روی قدرت نرم آن گذارده است.

مؤلفه‌های قدرت جمهوری اسلامی ایران

مهم‌ترین لوازم پیشرفت هر جامعه ای امنیت پایدار، اعمال حق حاکمیت و استقلال آن کشور است. جوامع ضعیف همواره در ناامنی، بدون حق اعمال حاکمیت و در وابستگی و در نتیجه در عقب ماندگی و عدم توسعه به سر می‌برند. امنیت در چارچوب قدرتمندی یک ملت شکل می‌گیرد. اگر ملتی قدرتمند نباشد، در تلاطم اراده‌های کشورهای زورگو دچار چالش می‌شود و از بین می‌رود. در مکاتب و نظریات جدید، جمعیت، وسعت سرزمینی، دولت و حاکمیت را مهم‌ترین عناصر شکل‌گیری قدرت یک ملت معرفی می‌کنند. ملتی که جمعیت بیشتر، قلمرو بزرگ‌تر، دولت توانمندتر با حاکمیت ملی منسجم‌تر داشته باشد، از این منظر قدرتمندتر است. برخی دیگر از اندیشمندان معتقدند معیار نهایی قدرت ملی، توانمندی نظامی است، زیرا کشورها در محیطی به سر می‌برند که در آن امنیت آن‌ها مورد تهدیدهای داخلی و خارجی فراوان و همیشگی قرار دارد. از این رو مؤثر بودن سلاح‌های قهریه آن‌ها، مقیاس نهایی قدرت کشورها به‌شمار می‌رود. در کنار توانمندی نظامی، برخی نیز ریشه‌های قدرت ملی را در توانایی کشورها در مسلط شدن بر بخش‌های مهم اقتصاد جهانی می‌دانند، ولی توانمندی نظامی همچنان مهم‌ترین تجلی قدرت باقی مانده است (تلیس و دیگران، ۱۳۸۳: ۴۱). در کنار این موارد مهم، با بررسی صورت گرفته بر بیست و هشت نظریه و الگوی مشخص کننده قدرت ملی، سه عامل بالاترین درصد فراوانی را داشته‌اند: الف) جمعیت، ویژگی‌های کمی و کیفی آن، ب) کیفیت رهبری، مدیریت، کیفیت حکومت و ج) وجود منابع طبیعی، مواد خام و معادن (زرقانی، ۱۳۸۷: ۱۵۹). مهم‌ترین صحنه حضور مردم در کشور، انتخابات است. با توجه به مردم بنیان بودن قدرت جمهوری اسلامی، اگر توصیه قرآن به قدرتمند شدن «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال، ۶۰) را بخواهیم مصداق‌یابی کنیم، از جمله مصداق آن، حضور بصیرانه مردم در صحنه انتخابات است؛ چرا که این حضور، قدرت نرم جمهوری اسلامی را افزایش می‌دهد.

روش پژوهش

این پژوهش بر حسب نوع داده‌های استفاده شده، کیفی، بر حسب نتیجه توسعه ای و بر حسب هدف، پژوهشی-اکتشافی است. این تحقیق از نوع تحقیقات نظری است که در آن محقق بدون داشتن یک هدف کاربردی خاص، صرفاً برای توسعه دانش به مطالعه می‌پردازد. در این تحقیق با توجه به ضرورت استنباط از مهمترین منبع روایی در زمینه نقش جمهوری اسلامی ایران در افول قدرت ایالات متحده آمریکا از دیدگاه امام خامنه‌ای ابتدا روش اسنادی و مطالعه نظری به کار گرفته شد. در ادامه از بین راهبردهای متنوع پژوهش کیفی، از راهبرد تحلیل مضمون با سبک اترید-استرلینگ بهره برده شده است. تحلیل مضمون روشی برای شناخت، تحلیل

و گزارش الگوهای موجود در داده های کیفی است. بنابر این، قضاوت محقق در رابطه با اینکه مضمون چیست؟ کاملاً ضروری است. پژوهشگر باید تا حدودی منعطف باشد، زیرا تبعیت صرف از قواعد در این خصوص کاربردی ندارد. از تحلیل مضمون می توان به خوبی برای شناخت الگوهای موجود در داده های کیفی استفاده کرد. قالب مضامین، فهرستی از مضامین را به صورت سلسله مراتبی نشان می دهد. شبکه مضامین نیز ارتباط میان مضامین را در نگاره های شبیه تارنما نشان می دهد. در نهایت شبکه مضامین بر اساس یک رویه مشخص مضامین زیر را نظام مند می کند: الف. مضامین اصلی ب. مضامین سازمان دهنده، ج. مضامین فراگیر، سپس این مضامین به صورت نقشه های شبکه وب رسم می شوند که در آن مضامین برجسته هر یک از این سه سطح همراه با روابط میان آنها مانند نگاره زیر نشان داده می شود. برای انجام نظام مند مراحل تحلیل مضمون از نرم افزار مکس کیو دی که یک نرم افزار تحلیل کیفی است، استفاده شد. واحد تحلیل در این پژوهش بیانات امام خامنه ای مرتبط با نقش جمهوری اسلامی ایران در افول قدرت ایالات متحده آمریکا می باشد. تلاش شده است با رویکرد استقرایی داده های مرتبط استخراج شود و در قالب جدول ارائه گردد. و سپس مفاهیم مرتبط توسط عبارتی کوتاه و توصیف کننده (کد) بیان شده است.

یافته های پژوهش

با بررسی و مطالعه دقیق بیانات امام خامنه ای در مرحله اول کدهایی استخراج شد. در مرحله بعد با ترکیب و مقایسه مستمر کدها، یازده مقوله فرعی شکل گرفت و پس از بررسی و سنخ سنجی مولفه ها، پنج مقوله اصلی نقش جمهوری اسلامی ایران در افول قدرت آمریکا شامل افزایش بدهی خارجی، ناکامی مدل حکومتی لیبرال دموکراسی، ناکامی های گسترده نظامی، کاهش نفوذ در نهادهای بین المللی و فروپاشی نهاد خانواده با تاکید بر اندیشه امام خامنه ای طراحی شد. برای سنجش پایانی پژوهش، نمونه هایی از متن مورد تحلیل انتخاب و مجدداً کد گذاری شد، برای حصول اطمینان از اعتبار و روایی پژوهش علاوه بر بررسی مقوله ها و شاخص ها، نظرات و رهنمودهای برخی از استادان دانشگاه نیز مورد لحاظ قرار گرفت. در نهایت، مقوله های اصلی در قالب شبکه مقوله ها با یکدیگر مرتبط شدند و بدین ترتیب، الگوی مفهومی نقش جمهوری اسلامی ایران در افول قدرت ایالات متحده آمریکا استخراج شد. سیر شکل گیری این الگو، جداول نمونه کد گذاری ها و شکل گیری مقوله های فرعی و اصلی در ذیل ارائه شده است.

جدول ۱: بخشی از مضامین اصلی استخراج شده از بیانات امام خامنه ای در خصوص نقش ایران در افول قدرت آمریکا

بیانات امام خامنه ای (متن/مضمون)	مضمون اولیه(اصلی)	مضمون سازمان دهنده
<p>قدرت سخت آمریکا هم بشدت ضربه دیده. قدرت سخت، یعنی قدرت نظامی گری، قدرت اقتصاد؛ بله، ابزار نظامی دارند، اما نیروی انسانی نظامی آمریکا بشدت افسرده، سردرگم، سرگشته، مردد [است]. اقتصادشان هم همین جور. آمریکا امروز پانزده تریلیون دلار بدهکار است؛ رقم، رقمی افسانه‌ای است؛ پانزده تریلیون دلار بدهکاری آمریکا است! قریب به هشتصد میلیارد دلار کسر بودجه آمریکا است در همین سال جاری؛ یعنی اینها در واقع عقب‌ماندگی‌های اقتصادی است.</p> <p>بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۳۹۷/۰۸/۱۲</p>	<p>بدهی خارجی</p> <p>کسری بودجه</p> <p>سردرگمی جوانان</p>	<p>رشد پایین اقتصادی</p> <p>توزیع ناعادلانه درآمد</p> <p>بالا بودن آمار فقر</p>
<p>هیاهوی قدرتهای جهانی زیاد است و با همین هیاهو بزرگ‌نمایی می‌کنند [اما] واقع قضیه این نیست. این را من نمی‌گویم، این را خودهایشان گفتند؛ صاحب‌نظران برجسته سیاسی شان اعلام کردند که نظام آمریکا از درون پوسیده است؛ البته از لحاظ اقتصادی هم مشکل دارند اما مشکل عمده آنها از لحاظ انتظام نظام اجتماعی و نظام سیاسی آنها است که نشان‌دهنده این است که بکلی متزلزلند.</p> <p>بیانات در دیدار فرماندهان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش ۱۳۹۹/۱۱/۱۹</p>	<p>بزرگنمایی و هیاهوی زیاد</p> <p>فهم کشورها از پوسیدگی نظام آمریکا</p>	<p>افول قدرت اقناع‌کنندگی</p> <p>بیداری ملت‌های اسلامی</p>
<p>شما به قضایای افغانستان مراجعه کنید، کیفیت خروج آمریکایی‌ها [را ببینید]؛ اولاً بیست سال در افغانستان ماندند و چه کردند؛ بعد هم چه جور بیرون رفتند و چه مشکلاتی را برای مردم به وجود آوردند. ۰۱/۰۱/۱۴۰۱</p> <p>آمریکایی‌ها ۴۰ سال است که می‌خواهند ریشه جمهوری اسلامی ایران را بکنند اما ما در این مدت، بیش از چهل برابر رشد کرده‌ایم که همین ایستادگی جمهوری اسلامی و موفقیت‌های آن، یک نمونه موفق دیگر از مهار آمریکا است. ۱۳۹۷/۰۶/۱۶</p>	<p>خروج خفت‌بار از افغانستان</p> <p>شکست در مهار ایران</p>	<p>ناکامی در دو کشور افغانستان و عراق</p> <p>ناکامی‌های گسترده در ایران</p>
<p>امروز موازنه قوا به نفع دنیای اسلام تغییر یافته است. حوادث گوناگون سیاسی و اجتماعی در اروپا و آمریکا، ضعفها و اختلالات عمیق ساختاری و مدیریتی و اخلاقی غربی‌ها را در برابر جهانیان عریان کرد. ۱۷/۰۲/۱۴۰۰</p>	<p>موازنه قوا به نفع دنیای اسلام</p> <p>اختلالات عمیق ساختاری</p>	<p>گسترش موج آمریکاستیزی</p> <p>شکل‌گیری نهادهای بین‌المللی جدید</p>

<p>خشونت های خانوادگی</p> <p>آمار بالای جرم و جنایت</p>	<p>افول موریانه وار</p> <p>آمار جنایت ها و آدمکشی ها</p>	<p>بعضی ها می گویند «افول موریانه وار»؛ که این را [یک] نویسنده آمریکایی می گوید. در مورد افول اقتدار آمریکایی می گوید «افول مور یا نه وار»؛ یعنی مثل موریانه از درون دارد پوک می شود.</p> <p>از جنایتها و آدمکشی های رژیم صهیونیستی اینها به طور مرتب حمایت کردند و دفاع کردند؛ از جنایت مجموعه ی چند دولت در یمن و کشتار مردم بی گناه یمن اینها حمایت کردند؛ از جنایت حمایت میکنند؛ دیگر سقوط اخلاقی از این بالاتر؟ ۱۴/۰۳/۱۳۹۸</p>
---	--	---

جدول ۲: مضامین سازمان دهنده مرتبط با نقش ایران در افول قدرت آمریکا در اندیشه امام خامنه ای (مدظله العالی)

ردیف	مضامین سازمان دهنده	کدهای مربوطه به بیانات امام خامنه ای
۱	رشد پایین اقتصادی	۱۳۹۸/۰۳/۱۴، ۱۳۹۷/۰۸/۱۲، ۱۳۹۹/۱۰/۱۹
۲	توزیع ناعادلانه درآمد	۱۳۹۸/۰۳/۱۴، ۱۳۹۷/۰۸/۱۲، ۱۳۹۹/۱۰/۱۹
۳	بالا بودن آمار فقر	۱۳۹۸/۰۳/۱۴، ۱۳۹۷/۰۷/۱۲، ۱۳۹۹/۱۰/۱۹
۴	افول قدرت اقتناع کنندگی	۱۳۹۸/۰۳/۱۴، ۱۳۹۷/۰۸/۱۲، ۱۳۹۹/۰۸/۱۳، ۱۴۰۱/۰۸/۱۱
۵	بیداری ملت های اسلامی	۱۳۹۷/۰۳/۰۳، ۱۳۹۷/۰۸/۱۲، ۱۳۹۷/۰۷/۱۲، ۱۳۹۹/۱۱/۱۹
۶	ناکامی در دو کشور افغانستان و عراق	۱۳۹۷/۰۶/۱۶، ۱۴۰۱/۰۲/۰۹، ۱۴۰۱/۰۴/۱۷
۷	ناکامی های گسترده در ایران	۱۳۹۷/۰۷/۱۳۹۷، ۱۲/۰۸/۱۲، ۱۳۹۷/۰۹/۰۴، ۱۴۰۱/۰۲/۰۹
۸	گسترش موج آمریکاستیزی	۱۳۹۵/۱۱/۱۹، ۱۳۷۱/۰۲/۱۶، ۱۳۶۹/۰۹/۰۷، ۱۴۰۱/۰۲/۰۶
۹	شکل گیری نهادهای بین المللی جدید	۱۳۸۴/۰۱/۰۱، ۱۴۰۰/۰۲/۱۷، ۱۳۹۵/۰۸/۱۲
۱۰	خشونت های خانوادگی	۱۳۹۹/۱۰/۱۹، ۱۳۹۹/۱۱/۱۹، ۱۴۰۱/۰۸/۱۱

۱۳۹۷/۰۸/۱۲، ۱۳۹۸/۰۳/۱۴، ۱۳۹۹/۰۸/۱۳	آمار بالای جرم و جنایت	۱۱

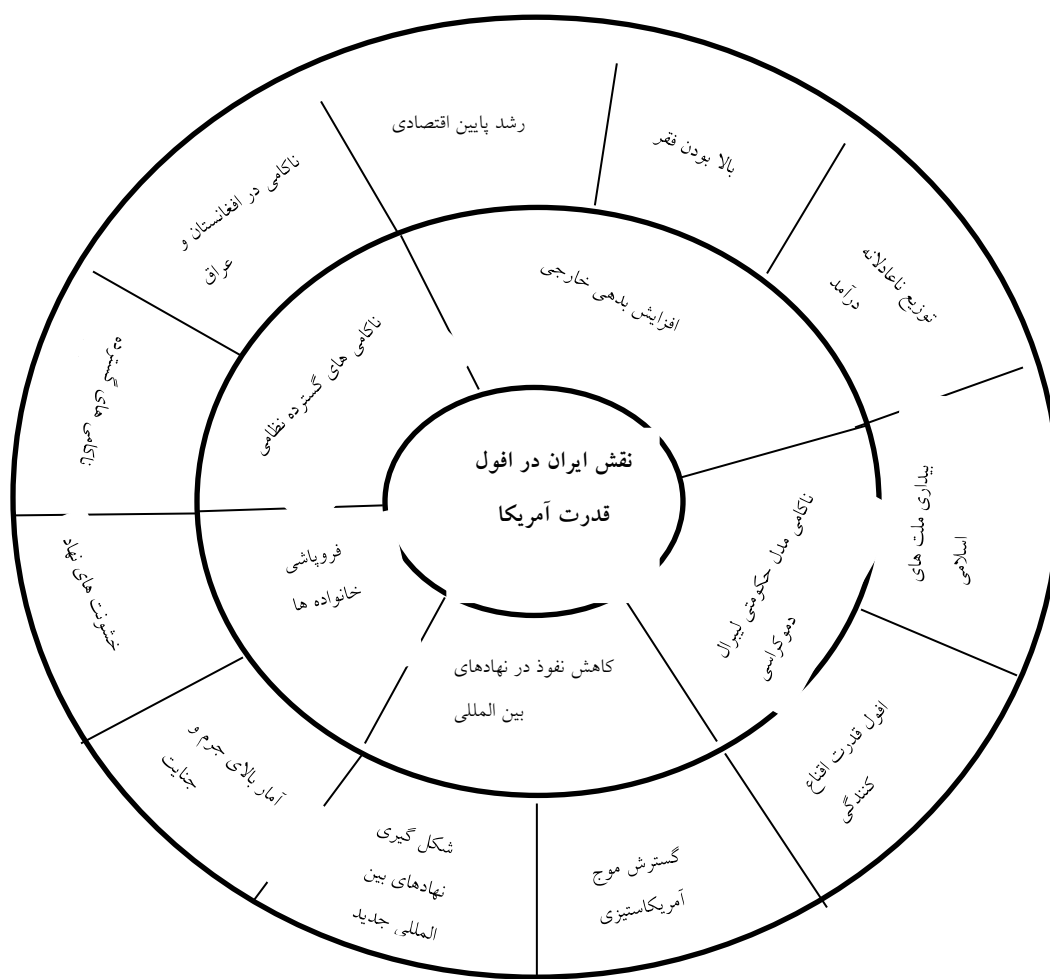
جدول ۳: مضامین فراگیر در نقش ایران در افول قدرت آمریکا در اندیشه امام خامنه ای (مدظله العالی)

مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر	
رشد پایین اقتصادی	افزایش بدهی خارجی	نقش جمهوری اسلامی ایران در افول قدرت آمریکا از دیدگاه امام خامنه ای
توزیع ناعادلانه درآمد		
بالا بودن آمار فقر		
افول قدرت اقناع کنندگی	ناکامی مدل حکومتی لیبرال دموکراسی	
بیداری ملت های اسلامی		
ناکامی در دو کشور افغانستان و عراق	ناکامی های گسترده نظامی	
ناکامی های گسترده در ایران		
گسترش موج آمریکاستیزی	کاهش نفوذ در نهادهای بین المللی	
شکل گیری نهادهای بین المللی جدید		
خشونت های نهاد خانواده	فروپاشی خانواده	
آمار بالای جرم و جنایت		

ترسیم الگو

بعد از مراحل کد گذاری، انتخاب مضامین اصلی و سازمان دهنده و فراگیر، ترسیم الگوی نقش ایران در افول قدرت آمریکا در اندیشه امام خامنه ای در شکل ذیل ارائه شده است.

شکل ۱: مدل نقش ایران در افول قدرت آمریکا در اندیشه امام خامنه ای (مدظله العالی)



مولفه های افول قدرت آمریکا

در سال های پس از جنگ سرد در سیاست های بین المللی ایالات متحده مولفه و شاخص های مشروعیت هژمونیک، چندجانبه گرایی، تفاهم و اجماع حاکم بر روابط دولت هژمون و سایر دولت های عضو سیستم اقتصاد سیاسی بین المللی لیبرال در ابعاد اقتصادی، سیاسی، نظامی و ایدئولوژیک ابتدا کم رنگ و ضعیف گردیده و سپس آرام آرام از میان رفته اند (قلی زاده و شفیعی، ۱۳۹۱: ۱۵۱). قدرت هژمون، مسئولیت تضمین و تامین کالا و امکانات عمومی یک نظام تجارت آزاد و ثبات پولی آن را بر عهده دارد (ساعی و ترابی، ۱۳۹۸: ۱۴۷). دونالد ترامپ به عنوان رئیس جمهور سابق آمریکا به از دست رفتن نشانه های قدرت آمریکا اعتراف کرد و با بیان اینکه آمریکا دیگر با عظمت نیست، محور شعار تبلیغاتی اش را «آمریکا را دوباره با عظمت کنیم» قرار داد. دولت ترامپ علاوه بر این در نخستین سند راهبرد امنیت ملی خود در سال ۲۰۱۷ میلادی افول قدرت آمریکا را به رسمیت شناخت. ترامپ در لوای این سیاست، آمریکا را از پیمان های چندجانبه جهانی و سازمان های بین المللی خارج کرد؛ علیه متحدانش در فراسوی آتلانتیک جنگ تجاری به راه انداخت؛ از محکوم کردن جنایت های حاکمان خود کامه تا زمانی که شریک تجاری آمریکا باشند، خودداری کرد؛ سیاست مدارای صفر را علیه مهاجران به کار گرفت و نتیجه ریاست جمهوری ترامپ، شدت گرفتن سیر نزولی جایگاه آمریکا نزد مردم دنیا یا به عبارتی افت قدرت نرم این کشور بود. جنگ های آمریکا در عراق و افغانستان، پایبندی آمریکا به مفاهیمی مانند دموکراسی، حقوق بشر، جهان آزاد، آزادی بیان و بسیاری از ارزش های دیگری که آمریکا خود را پرچمدار آنها معرفی می کرد با سوال ها و تردیدهای جدی مواجه کرد. طی دهه ۱۹۸۰، در اوج مرحله دوم جنگ سرد و با شدت گرفتن مداخلات پی در پی آمریکا در امریکای لاتین، وجهه ملی این کشور در جهان به دلیل سیاست های مداخله جویانه اش به شدت مخدوش گردید. آشکار است که آنچه از آن به عنوان آمریکاستیزی یاد می شود، محصول عملکرد دولت بوش یا اوباما نبوده بلکه انعکاسی از مواضع و عملکرد واشنگتن در قبال رویدادهای گوناگونی است که طی چندین دهه گذشته ذهنیت سایر ملت ها و کشورها را به امریکا شکل داده است (ماه پیشانیان، ۱۳۹۰: ۳۶). با عنایت به مطالب ذکر شده می توان دلایل افول قدرت ایالات متحده آمریکا را در پنج پارامتر مورد واکاوی قرار داد که عبارتند از:

پارامترهای سیاسی و دیپلماتیک افول قدرت آمریکا

قدرت نرم، یعنی توانایی آمریکا برای متقاعدسازی دیگران به مشروعیت سیاست های آمریکا و ارزش های زیربنای آن یکی از محورهای اصلی قدرت آمریکا از زمان آغاز آن بوده است. با این حال، به اذعان شاخص های مختلف این مولفه قدرتی به ویژه در

سال‌های اخیر یک روند نزولی شدید را تجربه کرده است. شکاف‌های سیاسی، از هم گسیختگی‌های اجتماعی، رکود اقتصادی، تلفات وحشتناک کرونا و بسیاری از عوامل دیگر در سال‌های گذشته موجب شده‌اند حتی مردم آمریکا به نحو بی‌سابقه‌ای اعتمادشان را به سیستم حکومت کشورشان از دست بدهند و جذابیت تبلیغاتی الگوی غربی به شدت کاهش پیدا کند. در تحلیلی از حمایت عمومی مردم اروپا از پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)، ری و جانسون نشان دادند، آمریکا ستیزی به وضوح اولویت‌های سیاست‌گذاری اروپاییان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، به طوری که آمریکا ستیزی با بدبینی نسبت به سیاست‌گذاری در ناتو و حمایت بیشتر از استقلال دفاعی اروپا همبسته بوده است. (Ray and Johnston, 2007:85)

مقام معظم رهبری در خصوص افول قدرت سیاسی آمریکا اشاره می‌کنند که: این کسانی که تصور غیر واقعی از توانایی‌های آمریکا دارند، بایستی به واقعیات درست توجه کنند. هیاهوی قدرتهای جهانی زیاد است و با همین هیاهو بزرگ‌نمایی می‌کنند [اما] واقع قضیه این نیست. این را من نمی‌گویم، این را خودهایشان گفتند؛ صاحب‌نظران برجسته سیاسی‌شان اعلام کردند که نظام آمریکا از درون پوسیده است.

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار فرماندهان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش ۱۹/۱۱/۱۳۹۹

پارامترهای تجاری و اقتصادی افول قدرت آمریکا

ایالات متحده آمریکا که دوران صعود در عرصه جهانی را از قرن نوزدهم آغاز کرده بود، پس از پایان جنگ سرد و با فروپاشی شوروی سابق، به عنوان یک قدرت هژمون در عرصه بین‌الملل شناخته شد. ساختار اقتصادی آمریکا در چند دهه گذشته بحران‌های متعددی را تجربه کرده است. بحران‌هایی نظیر رکود بزرگ ۱۹۲۹، کاهش ذخایر طلا ۱۹۷۱، رکود مضاعف ۱۹۸۱، بحران وام ۱۹۹۰ و همچنین عمیق‌ترین بحران اقتصادی آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم که در سال ۲۰۰۸ به دلیل ترکیدن حباب در بازار مسکن به وقوع پیوست. در این بحران، بانک‌ها و شرکت‌های بسیاری ورشکسته شدند؛ شاخص بورس و قیمت سهام حتی در سرتاسر جهان کاهش یافت و سیستم اقتصادی آمریکا به شدت دچار ضعف و اختلال شد. جنبش اشغال وال استریت نیویورک در سال ۲۰۱۱ نیز که بعضی از آن به عنوان بحران یاد می‌کنند؛ قابل توجه می‌باشد. مردمی که در این اعتراضات دامنه‌دار شعار "ما ۹۹ درصد هستیم" را سر می‌دادند، خواستار مقابله با سیستم سرمایه‌داری و نظام فاسد بانکداری، بالا بردن مالیات ثروتمندان و حمایت از بیمه‌های درمانی بودند که به علت خشونت پلیس، این جنبش، آتشی در زیر خاکستر باقی مانده است.

نگرانی‌های مهم در اقتصاد آمریکا عبارتند از:

-تکرار بحران مالی نظیر سال ۲۰۰۸

-بدهی ۲۶ تریلیون دلاری فدرال رزرو

-بدهی ۷۳ تریلیون دلاری آمریکا

-افزایش فقر و بیکاری

-کسری بودجه بیش از سه تریلیون دلار (خبرگزاری صدا و سیما، ۱۴۰۰).

مقام معظم رهبری در خصوص افول قدرت اقتصادی آمریکا اشاره دارند که: قدرت سخت آمریکا هم بشدت ضربه دیده. قدرت سخت، یعنی قدرت نظامی‌گری، قدرت اقتصاد؛ بله، ابزار نظامی دارند، اما نیروی انسانی نظامی آمریکا بشدت افسرده، سردرگم، سرگشته، مردد [است]. اقتصادشان هم همین جور.

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۲/۰۸/۱۳۹۷

پارامترهای نظامی و امنیتی افول قدرت آمریکا

هیچ کشوری در تاریخ معاصر دارای قدرت نظامی ای همچون ایالات متحده نبوده است. هنوز بعضی از تحلیلگران در حال بحث در این باره هستند که ایالات متحده در حال قدم گذاشتن بر جای پای بریتانیا به عنوان آخرین هژمون جهانی است (هوشمند، ۱۳۹۳: ۲). قدرت هژمون با ایجاد هنجارها و مقررات اقدام کرده و سپس بر عملکرد آنها با بهره بردن از توانایی خود نظارت کنند (قوام، ۱۳۸۴: ۱۱۷). برخورداری از توان نظامی پیشرفته، همواره مورد توجه قدرت‌های برتر جهان به منظور اعمال قدرت و نفوذ در سایر سرزمین‌ها بوده است. دولت آمریکا نیز از این قاعده کلی مستثنی نیست و مسئولان این کشور سال‌ها تلاش کرده‌اند به عنوان قدرت نظامی برتر و بدون رقیب در مقیاس جهانی مطرح باشند. در یک گزارش نود و هشت صفحه‌ای که «کمیسیون راهبرد دفاع ملی» آمریکا در سال ۲۰۱۹ منتشر کرد تصریح شده است: «برتری نظامی دیرپای آمریکا از بین رفته و حاشیه خطای راهبردی این کشور به طرز دلهره‌آوری

بالا رفته است. تردیدها درباره توانایی آمریکا برای بازدارندگی دشمنان و در صورت لزوم غلبه بر آنها و همچنین پایبندی واشنگتن به تعهداتش جهانی‌اش فزونی گرفته است. در این گزارش از «ناکارآمدی‌های سیاسی» و «محدودیت‌های بودجه‌ای» به عنوان عوامل یاد شده‌اند که توانایی دولت ایالات متحده را برای همساز شدن با سرعت بروز تهدیدهای امنیتی محدود کرده‌اند (خبرگزاری فارس، ۱۴۰۱).

امام خامنه‌ای در این خصوص اشاره می‌کند که: قدرت آمریکا و اقتدار و هیمنه آمریکا در دنیا رو به افول و رو به زوال است؛ در طول سالها دائماً دارد کم می‌شود. آمریکای امروز از آمریکای چهل سال قبل که انقلاب پیروز شد، بمراتب ضعیف‌تر است.

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۳۹۷/۰۸/۱۲

پارامترهای فرهنگی و اجتماعی افول قدرت آمریکا

در اروپا انتقاد از فرهنگ زندگی آمریکایی در اواخر سده هجدهم و اوایل سده نوزدهم، هنگامی که ایالات متحده به تدریج شروع به گسترش قدرت استعماری خود کرد، شکل گرفت (دلیرپور، ۱۳۹۱: ۱۴۹). این رویکرد در ابتدا بیشتر ماهیت فلسفی داشت و انتقاد از عدم وجود سلیقه، لطافت و مدنیت در عادات و زندگی روزمره آمریکاییان را برجسته می‌نمود. نویسندگانی چون چارلز دیکنز و فرانسس تروپول، آمریکایی‌ها را همچون انسان‌های خشن و بی‌تفاوت نسبت به رویه‌های مدنی و فاقد نزاکت در برخورد‌های اجتماعی تصویر می‌کردند. مارتین چارلز دیکنز یکی از گزنده‌ترین طنزها علیه سبک زندگی آمریکایی است. (Judt, 2003:24) تضاد بین آنچه اروپاییان فرهنگ عالی اروپا در برابر فرهنگ عوامانه آمریکایی نامیدند، بعدها صبغه ملی‌گرایانه و مقاومت در برابر سیاست آمریکایی کردن دیگر فرهنگ‌ها به خود گرفت و به درون‌مایه اصلی گفتمان ضد آمریکایی در اروپا تبدیل گردید. جدای از بحث رقابت، نقادان سده نوزدهمی آمریکا بر این باور بودند که مادی‌گرایی و صنعت‌باوری آمریکایی‌ها برای عقلانیت و سبک زندگی اروپایی‌کننده است. بر این اساس، اروپا با تعابیر زیباشناختی توصیف می‌گردید و در برابر مادی‌باوری و صنعت‌باوری آمریکاییان قرار داده می‌شد. (Judt, 1992:188-189) گفتمان معتقد به دوگانگی اروپای با فرهنگ و آمریکای بی‌ذوق، مدت‌ها است که دیگر فقط گفتمان روشنفکران محافظه‌کار اروپایی نیست و امروز در جنبش ضد جهانی شدن هویدا است. گسترش این نوع آگاهی در جهان باعث تضعیف ارزش‌های فرهنگی و پیدایش تضاد ارزشی در عرصه نظر و عمل سیاسی و فرهنگی این کشور گردیده است. بدین سان می‌توان گفت قدرت نرم آمریکا، چیزی جز تخدیر ملت‌ها و جلوگیری از پیدایش آگاهی سیاسی واقعی در داخل و خارج از این

کشور نیست.

در قرن بیستم، نقد فرهنگ آمریکا بیشتر جنبه سیاسی به خود گرفت که ناشی از ظهور آمریکا در مقام ابرقدرت پس از جنگ جهانی اول بود. در خلال این سده بود که امریکاییان همچون امپریالیست‌های جدید تصویر شدند. ساموئل هانتینگتون در مورد روند افول فرهنگی و مداوم آمریکا از اواخر ۱۹۵۰ انتقاد کرد. به باور وی، افول گرایی در چندین موج متمایز ظاهر شد، یکی در واکنش به راه اندازی اسپوتنیک توسط اتحاد جماهیر شوروی، یکی جنگ ویتنام و دیگری شوک نفتی ۱۹۷۳ و ناراحتی عمومی که با پایان جنگ سرد همراه شد. آمریکا، گسست‌های اجتماعی گوناگونی را تجربه کرده و همچنان بر اثر آن‌ها قدرت ملی خود را در معرض تهدید می‌بیند؛ گسست‌های جنسیتی، فرهنگی، مذهبی و از همه مهم‌تر گسست نژادی. بالابودن آمار خشونت‌های مسلحانه به ویژه قتل، تأییدی بر این مدعاست. رفتار خشونت‌بار پلیس آمریکا به ویژه با سیاه‌پوستان حقیقتی تلخ و ناهنجاری عریان در جامعه آمریکاست که گسست اجتماعی را دوچندان می‌کند. مسئله تبعیض نژادی در ایالات متحده آمریکا محدود به سیستم پلیسی و قضایی این کشور نیست، بلکه به عنوان معضلی ریشه‌ای و باسابقه، هم از سوی نظام سیاسی و هم از سوی بخشی از سفیدپوستان، بر سیاه‌پوستان تحمیل می‌شود.

مقام معظم رهبری در مورد افول فرهنگ آمریکایی اشاره دارند که: بعضی‌ها می‌گویند «افول موریانه‌وار»؛ که این را [یک] نویسنده آمریکایی می‌گوید. در مورد افول اقتدار آمریکایی می‌گوید «افول موریانه‌وار»؛ یعنی مثل موریانه از درون دارد پوک می‌شود. از جنایت‌ها و آدمکشی‌های رژیم صهیونیستی اینها به طور مرتب حمایت کردند و دفاع کردند؛ از جنایت مجموعه‌ی چند دولت در یمن و کشتار مردم بی‌گناه یمن اینها حمایت کردند؛ از جنایت حمایت میکنند؛ دیگر سقوط اخلاقی از این بالاتر؟

بیانات مقام معظم رهبری در مراسم سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی (ره) ۱۴/۰۳/۱۳۹۸

پارامترهای بین‌المللی افول قدرت آمریکا

در رابطه با جهان سوم می‌توان از تاثیر جنبش‌های آزادی‌بخش سده بیستم بر وجهه این کشور سخن گفت. انقلاب‌ها از انقلاب مکزیک، چین و کوبا گرفته تا انقلاب‌های اخیر کشورهای عربی تأثیر چشمگیری بر افول قدرت نرم آمریکا باقی گذاشتند. در دیگر بخش‌های آمریکای لاتین به ویژه در ونزوئلا، نیکاراگوا، کلمبیا احساسات ضد آمریکایی یکی از چالش‌های بزرگ قدرت آمریکا در این منطقه

را رقم زده است. در جریان بحران خلیج خوک ها نیروهای امریکایی به کمک معترضان کوبایی به ملی شدن اراضی کشاورزی آمدند، ولی این بحران به شکست امریکا و پیروزی نیروهای کاسترو در برابر ارتش امریکا منجر شد. از آن پس، این کشور از سوی امریکا با تحریم های شدید مواجه گشت. این بحران ضربه سنگینی به وجهه امریکا در کارائیب و امریکای لاتین وارد آورد. کاهش اعتبار سیاست خارجی امریکا در دهه های اخیر در کل جهان و به ویژه در خاورمیانه شدت یافته است (Nye, 2004:16). این زوال قدرت نرم امریکا به خاورمیانه محدود نمی شود. برای نمونه، حضور نظامیان امریکایی در کشورهای مختلف و مشکلات اجتماعی ناشی از این حضور همچنین طرفداری متعصبانه رسانه های این کشور از امریکا، باعث تشدید احساسات ضد امریکایی در این کشورها خصوصا جوانان گردیده است. سیاست امریکا با فروپاشی شوروی به صورت تک روی و یک جانبه گرایی حرکت کرده است. به گونه ای که تمام سازوکارها و ساختارهای بین المللی را نادیده گرفته است (جهانگیری و همکاران، ۱۳۹۹: ۷۶).

مقام معظم رهبری در این خصوص می فرمایند: امروز موازنه قوا به نفع دنیای اسلام تغییر یافته است. حوادث گوناگون سیاسی و اجتماعی در اروپا و امریکا، ضعفها و اختلالات عمیق ساختاری و مدیریتی و اخلاقی غربی ها را در برابر جهانیان عریان کرد.

سخنرانی تلویزیونی مقام معظم رهبری به مناسبت روز جهانی قدس ۱۷/۰۲/۱۴۰۰

نتیجه گیری

در مجموع امروز نظامی جدید و متفاوت از دوره پساجنگ جهانی و جنگ سرد بر جهان حاکم است که در آن قدرت هژمونیک امریکا و جهان تک قطبی بعد فروپاشی شوروی سابق رنگ باخته است. به طوری که امریکا در این نظم کنونی در مواجهه با ایران شکست خورده است. بنابراین در عصر کنونی شاهد نظامی نه تک قطبی یا دو قطبی، بلکه جهانی چندقطبی هستیم و در این شرایط چندجانبه گرایی و همکاری بین المللی اهمیت فزاینده ای یافته است. مهم ترین پیامد وقوع بحران های منطقه ای و بین المللی که امریکا در مقام رهبری بلوک غرب خواه ناخواه ناگزیر از درگیر شدن در آن ها بوده است، مخدوش شدن وجهه و جذابیت این کشور از دید بسیاری از دولت های جهان حتی کشورهای دوست این کشور گردیده و افول قدرت نرم این کشور را به دنبال داشته است. به عبارت دیگر، بسیاری از پیامدهای فرهنگی و سیاسی که بر افول این بعد قدرت تأثیرگذار هستند به دلیل تضاد با ایفای نقش رهبری و پی گیری منافع اقتصادی و مصالح سیاسی خارج از کنترل این کشور قرار دارند، سنت گرایی جهان سومی و چالش با فرهنگ غربی و امریکایی می باشند. شکاف های سیاسی، از هم گسیختگی های اجتماعی، رکود اقتصادی، تلفات وحشتناک کرونا و بسیاری از عوامل

دیگر در سال‌های گذشته موجب شده‌اند حتی مردم آمریکا به نحو بی‌سابقه‌ای اعتمادشان را به سیستم حکومت کشورشان از دست بدهند و جذابیت تبلیغاتی الگوی غربی به شدت کاهش پیدا کند. قدرت نرم به مثابه بعد معنوی قدرت کشورها هزینه‌های اعمال قدرت کشورها در عرصه داخلی و جهانی را کاهش می‌دهد. قدرت سخت آمریکا همچنین سهم آمریکا در تولید جهانی نیز از دهه ۱۹۷۰ در حال کاهش بوده است ولی این روند در مقایسه با کاهش قدرت نرم آمریکا (به عنوان یک شاخص، توافق با آمریکا در سازمان ملل) شیب نزولی کمتری را نشان می‌دهد. در واقع، قدرت نرم آمریکا در عرصه جهانی با وقوع بحران‌های جهانی و منطقه‌ای مختلف صدمه بیشتری دریافت کرده است. دیپلماسی عمومی به عنوان کارآمدترین ابزار قدرت نرم آمریکا که اولین موتور محرک سیاست خارجی و تامین امنیت و منافع ملی آمریکا در نظام روابط بین الملل بوده به شکل قابل توجهی تخریب و آسیب دیده و این امر موجب کاهش سطح قدرت و نفوذ بین المللی آمریکا در پیگیری اهداف خود گردیده است. هر چند اقدامات آمریکا در راستای از بین بردن نظام جمهوری اسلامی نه تنها به سرانجامی نرسیده است بلکه هزینه‌های سنگینی بر ایالات متحده تحمیل کرده است. جنگ اوکراین را می‌توان جدیدترین رویدادی دانست که چهره آمریکا و در کل ارزش‌های غربی را به شدت مخدوش کرد. مقایسه رفتارهای کشورهای غربی در قبال پناهندگان اوکراین و پناهجویان کشورهای خاورمیانه، برخوردهای دوگانه جهان غرب با مقوله مقاومت فلسطین و اوکراین، کنار گذاشتن شعار جدایی ورزش از سیاست، سانسور رسانه‌های روسیه از سوی پلتفرم‌های آمریکایی و غیره به مردم اقصی نقاط دنیا نشان داد که پابندی غربی‌ها به ارزش‌هایی مانند برابری انسان‌ها، اجتناب از نژادپرستی، آزادی بیان و حقوق بشر هرگز از سطح نمایش و شعار فراتر نرفته است. در این پژوهش پژوهشگر با استفاده از روش تحلیل مضمون، داده‌های حاصل از بیانات امام خامنه‌ای را مفهوم سازی کرده است. بر اساس این مفاهیم، مضامین اولیه (بدهی خارجی، کسری بودجه، سردرگمی جوانان، بزرگنمایی و هیاهوی زیاد، فهم کشورها از پوسیدگی نظام آمریکا، خروج خفت بار از افغانستان، شکست در مهار ایران، موازنه قوا به نفع دنیای اسلام، اختلالات عمیق ساختاری، افول موریانه وار، آمار جنایت‌ها و آدمکشی‌ها) و مضامین سازمان دهنده (رشد پایین اقتصادی، توزیع ناعادلانه درآمد، بالا بودن آمار فقر، افول قدرت اقناع کنندگی، بیداری ملت‌های اسلامی، ناکامی در دو کشور افغانستان و عراق، ناکامی‌های گسترده در ایران، گسترش موج آمریکاستیزی، شکل‌گیری نهادهای جدید بین المللی، خشونت‌های نهاد خانواده و آمار بالای جرم و جنایت) و مضامین فراگیر به دست آمد. با ترکیب و ادغام مضامین فراگیر نزدیک به هم پنج مولفه افزایش بدهی خارجی، ناکامی مدل حکومتی لیبرال دموکراسی، ناکامی‌های گسترده نظامی، کاهش نفوذ در نهادهای بین المللی و فروپاشی نهاد خانواده با تاکید بر اندیشه امام خامنه‌ای استخراج گردید.

منابع و مأخذ:

- قرآن کریم

- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با فرماندهان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش ۱۹/۱۱/۱۳۹۹ <https://farsi.khamenei.ir>

- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانش آموزان و دانشجویان ۱۲/۰۸/۱۳۹۷ <https://farsi.khamenei.ir>

- بیانات مقام معظم رهبری در سی امین مراسم رحلت امام خمینی (ره) ۱۴/۰۳/ <https://farsi.khamenei.ir>

- تلیس، اشلی و همکاران، (۱۳۸۳)، سنجش قدرت ملی در عصر فراصنعتی، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر ایران.

- جمشیدبها، غلامرضا و قربی، سیدمحمدجواد (۱۴۰۰)، افول قدرت نرم آمریکا؛ دیدگاه‌ها و زمینه‌ها، فصلنامه مطالعات راهبردی آمریکا، دوره یک، شماره ۴، صص ۸۸-۶۳.

- جهانگیری، سعید و همکاران، (۱۳۹۹)، «واکاوی چگونگی افول هژمونی آمریکا در عرصه جهانی با تاکید بر ویروس کرونا»، فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر، دوره ۱۱، شماره ۴، صص ۹۳-۷۳

- خبرگزاری فارس، (۱۴۰۱)، پنج نشانه افول قدرت آمریکا، ۱۴۰۱/۰۲/۰۷ <https://www.alef.ir/news>

- دوستی، رویا، صالحی فارسانی، علی و ابوالفضل کریمی، حسین (۱۴۰۰)، بررسی نقش و جایگاه هویت بر تخصیصات جمهوری اسلامی ایران و آمریکا، فصلنامه جامعه شناسی سیاسی ایران، دوره ۴، شماره ۴، صص ۴۲۲-۴۰۸.

- دهشیار، حسین، (۱۳۸۷)، «جهانی شدن: تک‌هنجاری طلبی ایالات متحده آمریکا»، فصلنامه سیاست خارجی، سال چهارم، شماره ۲

- زرقانی، سیدهادی، (۱۳۸۷)، «نقد و تحلیل مدل‌های سنجش قدرت ملی»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ششم، شماره اول، صص ۱۸۰-۱۴۹

- ساعی، احمد و ترابی، قاسم، (۱۳۹۸)، «نظریه ثبات هژمونیک و بحران در نظام اقتصاد جهانی»، فصلنامه سیاست، شماره ۴، دوره ۴، صص ۱۶۳-

۱۴۳

- سخنرانی تلویزیونی مقام معظم رهبری به مناسبت روز جهانی قدس ۱۷/۰۲/۱۴۰۰

- قلی زاده، عبدالحمید و شفیعی، نوذر، (۱۳۹۱)، «نظریه سیکل قدرت، چارچوبی برای تحلیل فرآیند افول نسبی ایالات متحده و خیزش چین»، فصلنامه روابط خارجی، سال چهارم، شماره ۱۶، صص ۱۶۸-۱۳۷
- قوام، سید عبدالعلی، (۱۳۸۴)، روابط بین الملل: نظریه ها و رویدادها، تهران: انتشارات سمت.
- ماه پیشانیان، مهسا، (۱۳۹۰)، «دیپلماسی عمومی ابزار امپریالیسم فرهنگی امریکا در خاورمیانه»، مطالعات قدرت نرم، سال اول، شماره اول، بهار، صص ۱۶۰-۱۱۹
- محمد میرزایی، حسن (۱۴۰۱)، بررسی تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر افول هژمونی آمریکا، فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی سال یازدهم، شماره یک، صص ۵۴-۲۹.
- هوشیار، مرتضی، (۱۴۰۰)، افول آمریکا حقیقتی انکارناپذیر، خبرگزاری صدا و سیما، ۱۴۰۰/۰۶/۱۰
- نای، جوزف، (۱۳۸۹)، قدرت نرم، ابزارهای موفقیت در سیاست بین الملل، سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

- Judt, Tony, (1992). Past Imperfect, University of California Press, Berkley.

- Judt, Tony, (2003 May). 'Anti-Americans Abroad,' The New York Review of Books, last retrieved 14/7/2013

-Nye, Joseph, (2004). Soft Power and Leadership, Compass: A Journal of Leadership. (Compass is published by the Center for Public Leadership, John F. Kennedy School of Government, Harvard University).

-Ray, Leonard, and Gregory, Johnston, (2007). "European Anti-Americanism and Choices for European Defense Policy." PS: Politics and Science, 40, 85-91.

Analyzing the role of the Islamic Republic of Iran in the decline of American power from Imam Khamenei's point of view.

Abstract:

The victory of the Islamic Revolution of Iran is considered a turning point in the history of international relations, because it was able to upset the equations of the United States of America in the strategic region of the Middle East and the world. The decline of America is an idea that says that America is no longer the only superpower in the world that dominates every sphere in every region of the world. In the current research, an attempt has been made to answer the question, what is the role of the Islamic Republic of Iran in the decline of the power of the United States of America from the point of view of Imam Khamenei (Madazla Al-Ali)? The researcher used the method of thematic analysis to analyze the data obtained from Imam Khamenei's statements. conceptualized. Based on these concepts, the primary themes (foreign debt, budget deficit, youth confusion, exaggeration and a lot of noise, countries' understanding of the decay of the American system, the quiet withdrawal from Afghanistan, the failure to contain Iran, the balance of power in favor of the Islamic world, deep structural disorders) termite-like decline, statistics of crimes and murders) and organizing topics (low economic growth, unfair distribution of income, high poverty statistics, decline of persuasive power, awakening of Islamic nations, failure in the two countries of Afghanistan and Iraq, widespread failures In Iran, the spread of the wave of anti-Americanism, the formation of new international institutions, the violence of family institutions and high crime statistics) and pervasive themes were achieved. By combining and integrating the pervasive themes, the five components of the increase in foreign debt, the failure of the government model Liberal democracy, widespread military failures, the reduction of influence in international institutions and the collapse of the family institution were extracted with emphasis on the thought of Imam Khamenei.

Keywords: Decline of American Power, Imam Khamenei, Islamic Republic of Iran, Budget Deficit, Balance of Power